

مقایسه‌ی نظام ترجیحات میان نسلی در استان‌های توسعه یافته، در حال توسعه و توسعه نیافته‌ی ایران

نوروز نیمروزی^۱، محسن حجازی^۲

تاریخ دریافت: ۱۳۹۲/۱۱/۱۲

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۳/۰۳/۲۵

چکیده

در مطالعه‌ی حاضر به مقایسه‌ی نظام ترجیحات میان نسلی در استان‌های ایران پرداخته شده است. با استفاده از داده‌های پیمایش ارزش‌های جهانی، ابتدا ترجیحات در ابعاد اجتماعی، سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و زیست محیطی بطور کلی در میان نسل‌ها مقایسه شد و سپس در استان‌های توسعه یافته، در حال توسعه و توسعه نیافته، نظام ترجیحات نسل‌ها مورد بررسی مقایسه‌ای قرار گرفت. روش تحقیق روش پیمایش و تکنیک جمع آوری داده‌ها تحلیل ثانویه‌ی داده‌های خام موج پنجم پیمایش ارزش‌های جهانی (۲۰۰۵-۲۰۰۸) است. نتایج به دست آمده نشان می‌دهد به طور کلی بیش‌ترین شکاف میان نسل‌ها در ترجیحات اجتماعی مشاهده می‌شود و کمترین شکاف میان نسل‌ها در ترجیحات زیست محیطی دیده می‌شود. هم‌چنین بیش‌ترین شکاف نسلی در بعد اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی در استان‌های توسعه یافته مشاهده می‌گردد. ولی در بعد سیاسی بیش‌ترین شکاف میان نسلی در استان‌های نیمه توسعه یافته دیده می‌شود. در ترجیحات زیست محیطی شکاف چندانی میان نسل‌ها در استان‌های توسعه یافته، نیمه توسعه یافته و محروم مشاهده نشده است.

واژه‌های کلیدی: ارزش‌ها، ترجیحات، شکاف نسل‌ها، استان‌های توسعه یافته، در حال توسعه، توسعه نیافته، اجتماعی، سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، زیست محیطی

n_nimrooz@yahoo.co.uk

^۱ - استادیار جامعه‌شناسی دانشگاه گلستان (نویسنده مسؤول)

^۲ - کارشناس ارشد جامعه‌شناسی

طرح مسأله

ارزش‌ها یکی از مهم‌ترین عناصر فرهنگی هستند و از باورها، سنت‌ها، مبانی اخلاقی و به ویژه از ایدئولوژی حاکم بر جامعه تغذیه می‌کنند. در گذشته به دلیل کندی روند تغییرات، نظام ارزشی چندان تغییری نمی‌کرد و از نسلی به نسل دیگر به راحتی قابل انتقال بود. ولی امروزه شتاب تحولات و پیشرفت‌های علمی - فنی جهانی به ویژه در حوزه‌ی ارتباطات، از یک سو، راه را برای آموزش فرهنگها باز کرده است و از سوی دیگر باعث شده است تا نظام ارزشی مانند دیگر بنیان‌های جامعه یک‌پارچگی خود را از دست بدهد و جوامع و خانواده‌ها با بحران ارزشی و به دنبال آن با بحران‌های فرهنگی و اجتماعی مواجه شوند. از طرفی، استمرار و بقای هر جامعه‌ای مستلزم آن است که مجموعه‌ی باورها، نگرش‌ها و مهارت‌های آن به نسل‌های جدید منتقل شود (علاقه بند، ۱۳۸۰).

با بروز تحولات مهم اجتماعی مانند شهرنشینی، و گسترش صنعت به تدریج از سیطره‌ی فرهنگ کاسته می‌شود و تحت تأثیر تحولات جدید تغییراتی در ساختار و کارکردهای عوامل جامعه پذیرکننده به وجود می‌آید بر این اساس در ساختار و کارکردهای خانواده تغییراتی به وجود آمد. روابط میان نسل گذشته با جوانان تحت تأثیر شرایط اجتماعی تغییر یافت و در آن دگرگونی‌هایی به وجود آمد. این امر تا آنجا ادامه یافت که به عنوان یک پدیده و مسأله‌ی مهم اجتماعی نظر محققان را به خود جلب کرد زیرا از منظر آسیب پذیری خانواده، وجود شکاف میان روابط کهن سال‌ها و جوانان یکی از خطرناکی است که استحکام روابط نسل‌ها را مورد تهدید قرار می‌دهد. به این ترتیب زمینه‌ی تغییر در نگرش‌ها و عقاید حاصل می‌شود که این به شکل‌گیری نظام‌های ترجیحات گوناگون می‌انجامد که با مرحله‌ی قبل از تحول متفاوت است. در جامعه‌ی ما نیز بعد از ورود پدیده‌های اجتماعی جدید و تحول جامعه از شکل سنتی گذشته و ورود به مرحله گذار برای رسیدن به مرحله‌ی صنعتی نوعی از دوگانگی در ابعاد مختلف زندگی اجتماعی رخ نمود که این امر در شکل‌گیری نظام ترجیحات افراد به ویژه جوانان بی تأثیر نیست. خانواده‌ی ایرانی در چندین سال اخیر تحت تأثیر روند مدرنیزاسیون و لوازم و پیامدهای آن از جمله تغییر ساخت اقتصادی و رواج شهرنشینی مهاجرت خانواده‌های روستایی به شهر، دگرگونی‌های نسبتاً چشمگیری را تجربه کرده است. خانواده‌ی امروزی از لحاظ ساخت و کارکرد و برخی ارزش‌های فرهنگی، تمایلی به مشابهت با خصوصیات خانواده و ازدواج در جوامع صنعتی نشان می‌دهد. از نتایج نوسازی این است که شرایط مطلوب ازدواج با خویشاوندان کاهش می‌یابد، سن ازدواج

کم‌کم بالاتر می‌رود و پذیرش طلاق برای افراد آسان‌تر می‌شود که در ایران نیز در طول دوره‌های تغییر اجتماعی، تفاوت‌هایی میان واکنش‌های بلندمدت و کوتاه‌مدت در هنجارهای فرهنگی مثل ترجیحات برای ازدواج با خویشاوندان، انتخاب همسر بر اساس عشق و مطلوبیت ازدواج به وجود آمده است. نتایج تحقیقات نشان دهنده‌ی این است که ارزش‌های خانواده در نسل فرزندان بیش‌تر مدرن است تا سنتی و برعکس در والدین این ارزش‌ها بیش‌تر سنتی هستند تا مدرن.

بنابراین مسأله مورد نظر در این تحقیق در قدم اول شناخت نظام ترجیحات میان نسلی و در قدم دوم بررسی تفاوت‌های میان نسلی در سطح استان‌های توسعه یافته، در حال توسعه یافته و توسعه نیافته است. بر این اساس پرسش آغازین تحقیق این است چه تفاوت‌ها و تشابهاتی میان نظام ترجیحات نسل ۱۵-۲۹ سال، نسل ۳۰-۴۹ سال و بیش‌تر از ۵۰ سال در سطح استان‌ها وجود دارد؟

اهداف تحقیق

الف- هدف کلی

- شناسایی و مقایسه‌ی نظام ترجیحات میان نسلی در استان‌های توسعه یافته، در حال توسعه و توسعه نیافته.

ب- اهداف جزئی

- شناسایی و مقایسه‌ی نظام ترجیحات اجتماعی میان نسلی در استان‌های توسعه یافته، در حال توسعه و توسعه نیافته.

- شناسایی و مقایسه‌ی نظام ترجیحات سیاسی میان نسلی در استان‌های توسعه یافته، در حال توسعه و توسعه نیافته.

- شناسایی و مقایسه‌ی نظام ترجیحات اقتصادی میان نسلی در استان‌های توسعه یافته، در حال توسعه و توسعه نیافته..

- شناسایی و مقایسه‌ی نظام ترجیحات فرهنگی میان نسلی در استان‌های توسعه یافته، در حال توسعه و توسعه نیافته.

- شناسایی و مقایسه‌ی نظام ترجیحات زیست محیطی میان نسلی در استان‌های توسعه یافته، در حال توسعه و توسعه نیافته.

تعریف مفاهیم

نظام ارزشی

روشه می‌گوید: تعامل مجموعه ارزش‌های انسان به ایجاد نظام ارزشی می‌انجامد که در آن ارزش‌ها به گونه‌ای سلسله‌مراتبی انتظام می‌یابند و بر اساس نوع ارتباط و ساختاری که واجد آن هستند، نظام‌های ارزشی متفاوتی را به وجود می‌آورند. در این نظام ارزشی، ارزش‌های متعارض یا رقیب مکمل هر دو وجود دارند (روشه، ۱۳۸۸: ۸۸).

رفیع پور در تعریف نظام ارزشی می‌گوید: وقتی تعداد زیادی از ارزش‌ها در یک شبکه‌ی روابط (علّی) و مرتبط با هم قرار گیرند، یک نوع ارتباط و پیوستگی و تقدّم و تأخّر را نشان می‌دهد. در آن صورت صحبت از نظام ارزشی می‌شود. (رفیع پور، ۱۳۷۸: ۲۷۰)

تغییر ارزشی

فرایندی است که در نظام ترجیحات ارزشی افراد جامعه از نسلی به نسل دیگر رخ می‌دهد. اینگلهارت از دو مفهوم ارزش «مادی گرایانه» و «فرامادی گرایانه»، به طور گسترده‌ای در نظریه‌ی دگرگونی ارزشی خود سود جسته است. وی معتقد است که «اولویت‌های ارزشی در جامعه‌ی پیشرفته صنعتی از سمت مسائل و دل‌بستگی‌های مادی پیرامون امنیت اقتصادی و جانی به سوی تأکید بیش‌تر بر آزادی، ابراز عقیده و کیفیت زندگی یا ارزش‌های فرامادی گرایش پیدا می‌کند» (اینگلهارت و آبرامسون، ۱۳۷۸: ۶۰).

نسل

هنک بیکر^۱، نسل را به عنوان یک گروه از دسته‌های متمایز شده به وسیله‌ی موقعیت تاریخی خاص و به‌وسیله‌ی علایق خاصی در سطح فردی (دوره‌های زندگی، سوگیری‌های ارزشی و الگوهای رفتاری) و در سطح سیستم (اندازه و ترکیب، فرهنگ نسلی و سوگیری‌های نسلی) تعریف می‌کند.

^۱-Baker

یک نسل به افرادی گفته می‌شود که در یک دوره‌ی تاریخی یکسان متولد شده‌اند؛ کسانی که در یک فضای اجتماعی- تاریخی یکسان زندگی می‌کنند و از تجربیات جوانی مشابه در سال‌های شکل‌گیریشان آگاهی دارند.

در این جا سه نسل از هم تفکیک شده است: ۱۵ تا ۲۹ سال به‌عنوان نسل جوان، ۳۰ تا ۴۹ سال به‌عنوان نسل میانسال و ۵۰ سال و بیش‌تر به‌عنوان نسل مسن در نظر گرفته شده است.

سطح توسعه یافتگی استانها

استان‌ها با توجه به شاخص‌های توسعه یافتگی، با استفاده از آزمون K-mean cluster به استان- های توسعه یافته، در حال توسعه و توسعه نیافته تقسیم شده است. به‌عنوان مثال استان‌های تهران، اصفهان، مرکزی، فارس و.. جزء استان‌های توسعه یافته و استانهای یزد، مازندران، زنجان و.. جزء استان‌های در حال توسعه و استان‌های کهگیلویه و بویر احمد، ایلام، سیستان و بلوچستان و... جزء استان‌های توسعه نیافته طبقه بندی شده‌اند.

بررسی تحقیقات انجام شده

اوقات فراغت و چالش‌های جهانی شدن مقایسه‌ی دو نسل توسط مرتضی منادی (۱۳۸۶)
به انجام رسیده است. هدف از این مطالعه بررسی تفاوت‌های میان اوقات فراغت نسل جوان با والدین آن‌ها و علل این تفاوت‌ها بوده است. محقق به کمک مصاحبه‌های عمیق با ۴۴ جوان و والدین آن‌ها به این نتیجه رسید که جوانان اوقات فراغت خود را متفاوت از والدین‌شان می‌گذرانند، آنان در گذران فراغت متأثر از جهانی شدن هستند، در حالی که والدین آن‌ها این گونه نیستند.

تفاوت‌های نسلی در روستاهای ایران توسط سید نورالدین رضوی زاده (۱۳۸۵) انجام شده است. داده‌های تجربی مورد استفاده در مقاله، حاصل مصاحبه با ۵۲۶ نفر در ۶۴ روستا در استان‌های آذربایجان غربی، اصفهان، خوزستان و گلستان بوده است. روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چند مرحله‌ای بوده است. نتایج تحقیق نشان داد جوانان روستا در تمایل به مصرف مادی (استفاده از وسایل جدید در زندگی)، تمایل به مهاجرت، شیوه‌های رسانه‌ای گذران اوقات فراغت، استفاده از تلویزیون، ویدئو و مطبوعات با دیگر گروه‌های سنی روستا تفاوت دارند؛ اما از نظر رضایت از زندگی، نگرش به زندگی شهری و روستایی، شیوه‌های سنتی گذران اوقات فراغت و گوش دادن

به رادیو میان گروه‌های سنی مختلف روستا تفاوتی وجود ندارد. در مجموع می‌توان گفت با توجه به ظرفیت جوانان روستایی در توسعه‌ی روستایی و تفاوت‌های نسبی شان با دیگر گروه‌های سنی، توجه به آنان در تحقیقات، برنامه‌ریزی‌های توسعه‌ی روستایی و نیز برنامه‌های رسانه‌ای از اهمیت خاصی برخوردار است.

بررسی علل شکاف نسل‌ها در میان دانش آموزان متوسطه‌ی شهر لامرد توسط منصور حقیقتیان و عباس غفاری (۱۳۸۹) به انجام رسیده است. نتایج تحقیق حاکی از آن بود که متغیرهای عدم درک متقابل والدین و فرزندان، نظارت ارزشی والدین بر فرزندان؛ میزان دسترسی فرزندان به وسایل ارتباط جمعی، شرایط خاص جامعه؛ نوگرایی فرزندان، جهانی شدن و مدرنیته، سنت شکنی و افزایش سطح تحصیلات فرزندان ارتباط معناداری با میزان شکاف نسلی میان جوانان و والدین آن‌ها دارد.

الگوهای قدرت در روابط بین نسلی، بازنمایی سریال‌های ایرانی تلویزیون: مطالعه‌ی شبکه‌های ۱ و ۳ عنوان مقاله‌ای پژوهشی است که توسط رضا جاروندی (۱۳۸۸) انجام شده است. جامعه‌ی آماری تحقیق حاضر شامل ۴ سریال ایرانی پخش شده در سال ۱۳۸۵ از شبکه‌های ۱ و ۳ است که به روش تحلیل محتوای کمی مورد بررسی قرار گرفته است. یافته‌ها نشان داده است که به طور کلی رابطه‌ی سلطه جویانه بیش‌تر از رابطه‌ی سلطه پذیر به ثبت رسیده است. سلطه پذیری درون نسلی جوان حداقل موارد ثبت شده است. تلاش میان‌سالان مؤنث برای برقراری رابطه‌ی سلطه جویان درون نسلی بیش‌تر از جوانان است. میان‌سالان مذکر بیش‌ترین رابطه‌ی سلطه جویانه درون نسلی را داشته اند به طوری که بیش از یک سوم روابط آنان رابطه‌ی سلطه جویانه بوده است.

بررسی تحولات اجتماعی و فرهنگی در طول سه نسل خانواده‌ی تهرانی: با تأکید بر مقایسه‌ی مراسم، آداب و کارکردهای حمایتی عنوان پژوهشی است که توسط تقی آزاد ارمکی، مهناز زند و طاهره خزایی (۱۳۷۹) انجام شده است. یافته‌های تحقیق نشان داده است که خانواده در اجرای آداب و رسوم ازدواج توانسته است کارکردهای خود را حفظ کند و تداوم بخشد و به نسل‌های بعد منتقل کند. هم‌چنین نقش حمایتی خود را به اعضایش، با وجود تغییرات، از دست ندهد. از طرف دیگر، با وجود پایداری کارکردهای آداب و رسوم ازدواج و تشدید در اجرای مراسم برخی از سنت‌ها و ارزش‌های حاکم بر خانواده، شبکه‌ی خویشاوندی تحت تأثیر تحولات فرهنگی و اجتماعی قرار گیرد و در نگرش به بعضی از آن‌ها تغییرات مشاهده شده است.

در تحقیقی توسط زین آبادی (۱۳۷۶) برای بررسی سلسله مراتب ارزشی پدران و پسران در شهر مشهد انجام شد. نتایج این تحقیق حاکی از آن است که میان سلسله مراتب ارزشی پدران و پسران در نمونه‌ی تحقیق او تفاوت معناداری وجود دارد.

چارچوب نظری

نظریه‌ی تحول ارزشی اینگلهارت

اینگلهارت ضمن تقسیم‌بندی ارزش‌ها به دو دسته‌ی ارزش‌های مادی و ارزش‌های فرامادی معتقد است که نظریه‌ی مادی- فرامادی بر دو فرض اساسی استوار است:

- ۱- فرضیه‌ی کمیابی که در آن اولویت فرد بازتاب محیط اجتماعی اقتصادی‌اش است به نحوی که شخص بیش‌ترین ارزش ذهنی را به آن چیزهایی می‌دهد که عرضه‌ی آن‌ها نسبتاً کم است. این فرضیه تمایز میان نیازهای مادی مانند امنیت و بقای فیزیکی و نیازهای غیر مادی مانند احترام، ابراز وجود و رضایت زیبایی شناختی را منعکس می‌کند از این رو که نیازهای مادی برای بقا حیاتی هستند، هنگام کمیابی در اولویت بالاتری از نیازهای فرامادی قرار می‌گیرند.
- ۲- فرضیه‌ی اجتماعی شدن که در آن ارزش‌های اصلی شخص تا حد زیادی بازتاب اوضاع حاکم در سال‌های قبل از بلوغ وی است (اینگلهارت، ۱۳۷۳: ۶۱) و این ارزش‌ها عمدتاً بوسیله‌ی جایگزینی میان نسلی جمعیت تغییر می‌یابند (اینگلهارت و ولزل، ۱۳۸۹: ۱۴۱).

این دو فرضیه با هم مجموعه‌ی به هم پیوسته‌ای از پیش‌بینی‌های مربوط به دگرگونی ارزش‌ها را پدید می‌آورند: نخست در حالی که فرضیه‌ی کمیابی دلالت بر این دارد که رونق و شکوفایی اقتصادی به گسترش ارزش‌های فرامادی می‌انجامد، فرضیه‌ی اجتماعی شدن مبین این است که نه ارزش‌های فردی و نه ارزش‌های یک جامعه یک شبه تغییر نمی‌کند. برعکس دگرگونی اساسی ارزش‌ها به تدریج و بیش‌تر به طرز نامریی روی می‌دهد. این دگرگونی در مقیاس وسیع وقتی پدید می‌آید که یک نسل جانشین نسل مسن‌تر در جمعیت بزرگ‌سالی یک جامعه می‌شود (همان، ۷۷).

اینگلهارت و ولزل در مقایسه میان جوامع در حال توسعه و توسعه یافته به تفاوت‌های فراگیر و پایداری میان ارزش‌های مردم این دو نوع جامعه دست یافتند. از منظر آن‌ها، این تفاوت‌ها نشان از آن دارند (اما اثبات نمی‌کنند) که توسعه‌ی اجتماعی- اقتصادی تغییرات سیستماتیکی از ارزش‌های سنتی به سکولار-عقلانی و از ارزش‌های بقا به ارزش‌های ابراز وجود به همراه می‌آورد. (اینگلهارت و ولزل، ۱۳۸۹: ۱۳۷) هم‌چنین آن‌ها دریافتند که در جوامع توسعه یافته،

نسل‌های جوان‌تر بسیار بیش‌تر از نسل‌های پیشین بر ارزش‌های سکولار-عقلانی و ابراز وجود تأکید می‌کنند و وجود تفاوت‌های میان نسلی بر اکتساب یا عدم اکتساب سطوح بالای توسعه‌ی اجتماعی - اقتصادی مبتنی هستند نه ناشی از اثرات چرخه‌ی زندگی. در غیر این صورت می‌بایست چنین تفاوت میان نسلی نیز در جوامع کم درآمد وجود داشته باشد.

در این مقاله نگارندگان با تأسی از نظر آندره فرانک مبنی بر این‌که همان الگوی حاکم بر روابط میان کشورهای مرکزی، نیمه پیرامونی و پیرامونی در حوزه‌ی اقتصاد، سیاست و به تبع آن فرهنگ و اجتماع در سطح جهانی را می‌توان در سطح کشورهای جهان سوم (کشورهای در حال توسعه و توسعه نیافته) مشاهده کرد بر این فرض‌اند که بر اساس نظریه‌ی اینگلهارت می‌توان رابطه‌ی میان سطح توسعه‌ی اجتماعی-اقتصادی و تغییرات ارزش‌های میان نسلی (از سنتی به سکولار عقلانی) را در استان‌های مختلف کشور در نظر گرفت که بر اساس آن با توجه به سرعت تغییرات توسعه اقتصادی - اجتماعی در استان‌های توسعه یافته در مقایسه با سایر استان‌ها می‌توان انتظار تفاوت‌های میان نسلی بیش‌تری را داشت.

روش تحقیق

پژوهش حاضر با روش تطبیقی صورت گرفته است؛ زیرا به بررسی صفات کلان جوامع پرداخته است. تکنیک مورد استفاده در پژوهش، تحلیل ثانویه است. برای مقایسه نظام ترجیحات میان نسلی موج پنجم پیمایش ارزش‌های جهانی مورد استفاده قرار گرفته است. که از میان ۵۷ کشور ایران با حجم نمونه‌ی ۲۶۶۷ نفر مورد بررسی قرار گرفته است. و استان‌ها نیز باتوجه به شاخص‌های توسعه یافتگی، با استفاده از آزمون K-mean cluster به استان‌های توسعه یافته، در حال توسعه و توسعه نیافته تقسیم شده است و نظام ترجیحات گروه‌های سنی ۱۵-۲۹، ۳۰-۴۹ و بیش از ۵۰ سال در استان‌های مذکور مورد مقایسه قرار گرفته است.

باتوجه به این‌که تکنیک مورد استفاده در پژوهش حاضر، تحلیل ثانویه بوده است داده‌های پیمایش ارزش‌های جهانی از اعتبار و پایایی لازم برخوردار بوده و سالانه محققین زیادی پژوهش‌های خود را براساس آن در دنیا انجام می‌دهند و مقالات فراوانی از آن استخراج می‌شود و در مجلات معتبر دنیا به ثبت می‌رسد.

یافته‌ها

سیمای پاسخ‌گویان

جنسیت پاسخ‌گویان: در مطالعه‌ی حاضر ۵۰/۱ درصد از پاسخ‌گویان مرد، و ۴۹/۹ درصد آن زن بوده‌اند.

سن پاسخ‌گویان: ۴۹/۸ درصد در گروه سنی ۱۵-۲۹ سال، ۳۸/۹ درصد در گروه سنی ۳۰-۴۹ سال و ۱۱/۴ درصد در گروه سنی بیش‌تر از ۵۰ سال قرار دارند.

وضعیت تأهل: ۶۰/۵ درصد پاسخ‌گویان متأهل، ۳۴/۴ درصد مجرد، ۱/۶ درصد بیوه، ۰/۴ درصد متارکه، ۰/۵ درصد مطلقه، ۲/۶ درصد به عنوان متأهل باهم زندگی می‌کنند.

سطح تحصیلات: تحصیلات ۳۷/۶ درصد آن‌ها پایین، ۳۸/۳ درصد تحصیلاتشان متوسط و میزان تحصیلات ۲۴/۲ درصد بالا است.

طبقه اجتماعی: از نظر طبقه‌ی اجتماعی ۱/۱ درصد آن‌ها در طبقه‌ی اجتماعی بالا، ۳۷/۳ درصد در طبقه‌ی متوسط بالا، ۴۶/۹ درصد در طبقه‌ی متوسط پایین و ۱۴/۳ درصد طبقه‌ی پایین قرار دارند.

گروه قومی: ۰/۱ درصد آن‌ها ارمنی، ۲/۶ درصد عرب، ۱/۷ درصد بلوچ، ۵۷/۵ درصد فارس، ۵/۲ درصد لر، ۴/۵ درصد گیلکی، ۷/۰ کرد، ۲۱/۳ درصد ترک، ۰/۲ درصد ترکمن هستند.

نتایج تحقیق

با توجه به زیاد بودن تعداد شاخص‌ها از ارائه‌ی نتایج حاصل از توصیف و آزمون روابط بین شاخص‌ها پرهیز شده است و نتایج به‌طور خلاصه شده به تفکیک ابعاد نظام ترجیحات به‌شرح زیر ارائه شده است:

ترجیحات اجتماعی: یافته‌های تحقیق حاکی از آن است که بیش‌ترین شکاف میان نسلی در بعد ترجیحات اجتماعی مشاهده شده است که در ۷۴ درصد از شاخص‌های مورد بررسی در ترجیحات اجتماعی تفاوت میان نسل‌ها معنادار است. در بعد اهمیت گروه‌ها و فعالیت‌های اجتماعی چون خانواده، دوستان، اوقات فراغت تفاوت معناداری در ارزیابی گروه‌های سنی مورد بررسی به‌دست نیامده است و هر سه گروه مذکور اهمیت گروه‌ها و فعالیت‌های اجتماعی را در زندگی اجتماعی‌شان در حد زیاد ارزیابی کردند. در بعد تربیت فرزند ده

شاخص میان نسل‌ها مقایسه شد که در ۶۰ درصد موارد مانند تربیت فرزند مستقل، سخت‌کوش و تربیت فرزند اهل مدارا و احترام، تربیت فرزند دارای پشتکار، تربیت فرزند دارای ایمان دینی و تربیت فرزند دارای تخیل، ارزیابی گروه‌های سنی تفاوت معنادار داشته است به گونه‌ای که گروه سنی ۱۵-۲۹ سال در مقایسه با گروه‌های مسن‌تر اهمیت بیش‌تری برای موارد تربیت فرزند مستقل، دارای تخیل و پشتکار قائل بودند در حالی که گروه سنی ۵۰ سال و بالاتر اهمیت بیش‌تری برای مورد تربیت فرزند سخت‌کوش، ادای احترام و تحمل دیگران و فرزند دارای ایمان مذهبی قائل هستند و در سایر موارد: تربیت فرزند دارای احساس مسؤولیت، حسابگر در پول، متواضع و مطیع تفاوت معناداری در ارزیابی گروه‌ها دیده نشده است. در بعد ترجیحات همسایگی ۴ شاخص مورد بررسی قرار گرفت به گونه‌ای که گروه سنی ۱۵-۲۹ سال در مقایسه با دو گروه دیگر، تمایل کمتری را برای همسایگی با قومیت‌های مختلف، کارگران خارجی، مبتلایان به ایدز و معتادان به مواد مخدر داشته‌اند. در بعد ارزش‌های بنیادین معطوف به اجتماع ۱۰ شاخص مورد بررسی قرار گرفت که در آن گروه سنی ۱۵-۲۹ سال در مقایسه با سایرین به‌ویژه گروه ۵۰ سال و بالاتر اهمیت بیش‌تری را برای حفظ ارزش‌های ایده‌های جدید و خلاق، ثروتمند شدن، خوشگذرانی، خیلی موفق بودن و ماجراجویی و ریسک‌پذیر بودن قائل بودند؛ در حالی که گروه سنی ۵۰ سال و بالاتر اهمیت بیش‌تری برای حفظ ارزش‌های زندگی آرام و بدون خطر، کمک به اطرافیان، رفتار درست، حفاظت از محیط زیست و سنتی بودن قائل بودند.

در بعد اعتماد به سازمان‌های اجتماعی، مانند: مؤسسات خیریه و خدمات اجتماعی، نیز تفاوت معناداری میان نسل‌ها مشاهده می‌شود که گروه سنی بالای ۵۰ سال بیش‌ترین اعتماد را به سازمان‌های خدمات شهری دارند و گروه سنی جوان بیش‌ترین اعتماد را به سازمان‌های بشر دوستانه دارند. در بعد ارزش‌های توجیه‌پذیر ۶ شاخص مورد سنجش قرار گرفت به گونه‌ای که گروه سنی جوان بیش‌ترین توجیه‌پذیری را برای مواردی مانند تقلب در مالیات، پذیرفتن رشوه، سقط جنین و طلاق قبول دارد. در بعد مشارکت اجتماعی ۸ شاخص مورد سنجش قرار گرفت که بر اساس آن گروه سنی ۱۵-۲۹ ساله در مقایسه با دو گروه سنی دیگر و گروه سنی ۳۰-۴۹ سال در مقایسه با گروه ۵۰ سال و بالاتر مشارکت بیش‌تری (عضویت فعال)

در سازمان‌های ورزشی و تفریحی، سازمان‌های هنری موسیقی، حفاظت محیط زیست و انجمن‌های تخصصی داشتند؛ در حالی که گروه سنی ۵۰ ساله و بالاتر مشارکت فعال‌تری در انجمن‌های خیریه داشتند.

در ترجیحات اجتماعی بیش‌ترین تفاوت میان نسلی در استان‌های توسعه یافته دیده می‌شود که در نیمی از شاخص‌ها تفاوت معناداری میان ترجیحات گروه‌های سنی به‌دست آمده است. در استان‌های نیمه توسعه یافته در یک سوم شاخص‌ها و در استان‌های محروم نیز در یک سوم شاخص‌ها تفاوت معناداری میان ترجیحات گروه‌های سنی به‌دست آمده است. که تفاوت میان نسلی در استان‌های نیمه توسعه یافته و محروم در ترجیحات اجتماعی کمتر از استان‌های توسعه یافته بوده است.

ترجیحات سیاسی: در ترجیحات سیاسی در بعد اعتماد به سازمان‌ها دولتی و سیاسی ۱۰ سازمان مورد ارزیابی قرار گرفت که گروه سنی ۱۵-۲۹ در مقایسه با گروه سنی ۵۰ سال و بالاتر اعتماد بیش‌تری به سازمان‌های نیروهای مسلح، مجلس، دولت، احزاب سیاسی، دستگاه قضا و سازمان‌های مدنی داشتند. و در خصوص سایر سازمان‌ها (پلیس و سازمان ملل) تفاوت‌ها معنادار نبوده است.

در ترجیحات سیاسی بیش‌ترین اختلاف نسلی در استان‌های نیمه توسعه یافته مشاهده شد که تقریباً در نیمی از شاخص‌ها تفاوت معناداری میان گروه‌های سنی به‌دست آمده است. کمترین تفاوت میان نسل‌ها را در بعد سیاسی در استان‌های توسعه یافته می‌توان دید که در کمتر از یک سوم شاخص‌های سنجیده شده تفاوت‌ها معنادار است.

ترجیحات فرهنگی: در بعد اعتماد به سازمان‌های فرهنگی گروه سنی ۱۵-۲۴ سال در مقایسه با گروه ۵۰ ساله و بالاتر اعتماد بیش‌تری به مطبوعات داشته‌اند اما در اعتماد به مساجد و صدا و سیما (تلویزیون) تفاوت معناداری به‌دست نیامده است. در بعد منابع کسب اطلاعات ۵ شاخص مورد بررسی قرار گرفت که براساس یافته‌های تحقیق، به‌طور کلی تمامی گروه‌های سنی اطلاعات خود را به ترتیب بیش‌ترین از طریق رادیو تلویزیون، دوستان، روزنامه، کتاب و اینترنت و ایمیل کسب می‌کردند. اما گروه سنی ۱۵-۲۹ سال در استفاده از روزنامه، اینترنت، ایمیل، و کتاب تفاوت قابل توجه و معناداری در مقایسه با سایرین بویژه گروه سنی ۵۰ سال و بالاتر داشتند. در بعد اعتقادات دینی ۹ شاخص مورد بررسی قرار گرفت که در تمامی موارد به جز یک شاخص، تفاوت معناداری میان دامنه‌ی اعتقادات گروه‌های سنی مشاهده نشده است و آن اینکه گروه سنی

بالای ۵۰ سال در مقایسه با جوان‌ترها اعتقاد بیش‌تری به دعا و نیرو گرفتن از مذهب دارند. در ترجیحات جنسیتی گروه سنی ۱۵-۲۹ سال در مقایسه با سایر گروه‌ها باور کمتری داشتند که مردان در مقایسه با زنان سیاستمداران موفق‌تری خواهند شد و این تفاوت معنادار است هم‌چنین این گروه سنی در مقایسه با سایر گروه‌ها باور کمتری داشتند که باید اولویتی برای تحصیلات پسران در مقایسه با دختران قائل شد و این تفاوت معنادار بوده است.

در ترجیحات فرهنگی بیش‌ترین شکاف نسلی در استان‌های توسعه یافته دیده می‌شود که تقریباً در نیمی از شاخص‌ها تفاوت معناداری بین نسل‌ها به‌دست آمده است. پس از آن استان‌های نیمه توسعه یافته و محروم رتبه دوم در شکاف نسلی را از نظر ترجیحات فرهنگی نشان می‌دهند که هر یک از استان‌های اخیر در ۷ شاخص تفاوت معناداری به‌دست آمده است.

ترجیحات اقتصادی: در بررسی اعتماد نسبت به اتحادیه‌های کارگری گروه سنی ۱۵-۲۹ سال در مقایسه با سایر گروه‌های سنی اعتماد بیش‌تری ابراز کردند و این تفاوت معنادار بوده است هم‌چنین گروه سنی ۵۰ سال در مقایسه با دو گروه دیگر و گروه سنی ۳۰-۴۹ سال نسبت به گروه ۱۵-۲۹ سال رضایت بیش‌تری از وضعیت مالی خانواده بیان داشتند و این تفاوت‌ها معنادار بوده است. در سایر شاخص‌ها مانند اهمیت کار، تأکید بر تکنولوژی در آینده و... تفاوت معناداری میان گروه‌های سنی مشاهده نشد.

در استان‌های توسعه یافته بیش‌ترین شکاف نسلی در ترجیحات اقتصادی مشاهده می‌شود پس از آن استان‌های نیمه توسعه یافته رتبه‌ی دوم را در شکاف نسلی دارد و کمترین شکاف نسلی در استان‌های محروم قابل مشاهده است.

ترجیحات زیست محیطی: در این بعد، اکثر شاخص‌ها یی که مورد بررسی قرار گرفت تفاوت معناداری مشاهده نشده است. هم‌چنین در میان استان‌های توسعه یافته، نیمه توسعه یافته و محروم میان نسل‌ها، شکاف چندانی مشاهده نشد.

نتیجه‌گیری

نتایج به‌دست آمده نشان می‌دهد به طور کلی بیش‌ترین شکاف میان نسل‌ها در ترجیحات اجتماعی مشاهده می‌شود و کمترین شکاف میان نسل‌ها در ترجیحات زیست محیطی دیده می‌شود. هم‌چنین بیش‌ترین شکاف نسلی در بعد اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی در استان‌های توسعه یافته مشاهده می‌شود. ولی در بعد سیاسی بیش‌ترین شکاف میان نسل‌ها در استان‌های نیمه توسعه یافته

نشان داده شده است. در ترجیحات زیست محیطی کمترین شکاف میان نسل‌ها در تمامی استان‌ها مشاهده شده است.

براین اساس می‌توان نتیجه گرفت در استان‌های محروم روند تحولات و تغییرات در مسیر توسعه‌ی اقتصادی- اجتماعی بسیار کند است و در نظام ارزشی طی نسل‌های مختلف نیز تغییرات چشمگیری صورت نگرفته است؛ اما در مقابل در استان‌هایی که درجه‌ی توسعه یافتگی شدت بیشتری داشته است به مراتب تفاوت بیشتری میان نسل‌ها وجود دارد.

همان‌طور که پیش‌تر اشاره شد اینگلهارت و ولزل دریافتند که در جوامع توسعه یافته، نسل‌های جوان‌تر بسیار بیش‌تر از نسل‌های پیشین بر ارزش‌های سکولار-عقلانی و ابراز وجود تأکید می‌کنند و وجود تفاوت‌های میان نسلی براکتساب یا عدم اکتساب سطوح بالای توسعه‌ی اجتماعی- اقتصادی مبتنی هستند نه ناشی از اثرات چرخه‌ی زندگی. در غیر این‌صورت باید چنین تفاوت میان نسلی نیز در جوامع کم درآمد وجود داشته باشد. بر این اساس تفاوت در ترجیحات ارزشی میان نسل‌های جوان‌تر و میان‌سال و کهن‌سال در این تحقیق تا حدودی مؤید اثرگذاری زمینه‌ای سطوح توسعه‌ی اجتماعی- اقتصادی بر منظومه‌ی ترجیحات شناختی، عاطفی و گرایشی پاسخ‌گویان تحقیق به‌ویژه نسل جوان است که آنان را از نسل‌های پیشین تا حدود قابل توجهی متمایز ساخته است.

پیشنهاده‌ها

نظر به نتیجه‌ی مهم تحقیق مبنی بر اینکه تفاوت در سطوح توسعه‌ی اجتماعی- اقتصادی زمینه‌های احتمال- البته با در نظر گرفتن سایر عوامل و شرایط- بروز تفاوت نسلی را به وجود می‌آورد، براین اساس ضرورت دارد در برنامه ریزی‌های کلان و منطقه‌ای کشور استراتژی‌ها به سوی همگن سازی درجه‌ی توسعه بخشی باشد تا ضمن نزدیک شدن به آرمان عدالت اجتماعی- بعنوان یکی از ارزش‌های اساسی جامعه ایرانی- زمینه‌های بروز واگرایی فرهنگی اجتماعی کاهش یابد.

- با نظر به تغییر ارزش‌ها یکی از مهم‌ترین ابعاد مسأله‌ی شکاف میان نسلی و با توجه به در حال گذار بودن جامعه و به چالش طلبیده شدن نظم سنتی توسط گروه‌های جوان‌تر نسلی، مسئولین، برنامه ریزان و مخصوصاً والدین باید در مواجهه با این تغییرات جدید آمادگی و برنامه ریزی لازم

را داشته باشند و با پذیرش مقتضیات و شرایط نسل جدید زمینه های رشد اجتماعی آن را فراهم سازند.

از آنجا که مفهوم نظام ارزشی سازه‌ای پیچیده و چند بعدی است پیشنهاد می‌شود مطالعات آتی صرفاً بر یکی از ابعاد شکاف ارزشی متمرکز شود. چرا که شکاف ارزشی علل یکسانی دارد؛ اما شدت تأثیر این عوامل اختصاصی بر ابعاد شکاف متفاوت است.

منابع

۱. آزاد ارمکی، تقی، مهناز زند و طاهره خزایی (۱۳۷۹) بررسی تحولات اجتماعی و فرهنگی در طول سه نسل خانواده‌ی تهرانی: با تأکید بر مقایسه‌ی مراسم، آداب و کارکردهای حمایتی، طرح پژوهشی.
۲. اینگلهارت، رونالد (۱۳۷۳) تحول فرهنگی در جوامع پیشرفته‌ی صنعتی، ترجمه‌ی مریم وتر، تهران: انتشارات کویر.
۳. اینگلهارت، رونالد؛ أبرامسون، پل (۱۳۷۸) «امنیت اقتصادی و دگرگونی ارزشی»، ترجمه‌ی شهناز شفیعی خانی، نامه‌ی پژوهش، شماره‌های ۱۴ و ۱۵.
۴. اینگلهارت، رونالد، ولزل، کریستین (۱۳۸۹) نوسازی، تغییر فرهنگی و دموکراسی، تهران: انتشارات کویر.
۵. حقیقتیان، منصور، غفاری، عباس (۱۳۸۹) بررسی علل شکاف نسل‌ها در بین دانش آموزان متوسطه شهر لامرد، طرح پژوهشی.
۶. جاروندی، رضا (۱۳۸۸) الگوهای قدرت در روابط میان نسلی، بازنمایی سریال‌های ایرانی تلویزیون: مطالعه شبکه‌های ۱ و ۳، طرح پژوهشی.
۷. رضوی زاده، نورالدین (۱۳۸۵) تفاوت‌های نسلی در روستاهای ایران، توسط سید نورالدین.
۸. رفیع‌پور، فرامرز، (۱۳۷۸) آناتومی جامعه، تهران، شرکت سهامی انتشار.
۹. رفیع‌پور، فرامرز، (۱۳۸۲) تکنیک‌های خاص تحقیق در علوم اجتماعی، تهران: شرکت سهامی انتشار.
۱۰. -روشه، گی (۱۳۸۸) مقدمه‌ای بر جامعه‌شناسی عمومی، ترجمه‌ی هما زنجانی زاده، تهران: سمت.
۱۱. زین آبادی، مرتضی (۱۳۷۶) بررسی سلسله مراتب ارزشی پدران و پسران در شهر مشهد، پایان نامه‌ی کارشناسی ارشد، دانشگاه فردوسی.
۱۲. -علاقه بند، علی (۱۳۸۰) جامعه‌شناسی آموزش و پرورش، تهران: نشر روان.
۱۳. -منادی، مرتضی (۱۳۸۶) اوقات فراغت و چالش‌های جهانی شدن مقایسه دو نسل، طرح پژوهشی.
۱۴. Inglehart, Ronald (۱۹۹۷) Modernization and Postmodernization : cultural, economic and political change in ۴۳ societies, Princeton: Princeton University press.
۱۵. Inglehart, Ronald and Paul Abrahamson (۱۹۹۹) "Measuring Postmaterialism ", American Political Science Review, September ۱۹۹۹: ۶۶۵-۶۶۷.

۱۶. Inglehart, Ronald and Christian Welzel (۲۰۰۳) "political culture and democracy: analyzing the cross-level linkage", *Comparative Politics* ۳۶, October: ۶۱-۷۹.

This document was created with Win2PDF available at <http://www.win2pdf.com>.
The unregistered version of Win2PDF is for evaluation or non-commercial use only.
This page will not be added after purchasing Win2PDF.